

Clarifying the jurisprudence of spreading prostitution in the media space

Ali GHafarian¹
Ali Nahavandi²

 0000-0000-0000-0000
 0000-0000-0000-0000

Abstract

One of the social anomalies is the promotion of obscenity in the society. In the current era, the media environment has caused this anomaly to be realized in a wide range and at a high speed. Knowledge of the rulings of this issue requires an answer to the question, what are the jurisprudential bases of the ruling on the dissemination of obscenities in the media space, according to Imamiyya jurists? The answer to this question will lead to the introduction and implication of jurisprudential evidence in order to know the basics, with the aim of determining the duties of media users, and determining the executive approach of regulatory bodies. In this article, in a descriptive and analytical way, after explaining the concepts and referring to the meaning of the spread of prostitution, the argument based on jurisprudential evidence has been examined. The verse of Surah Noor has a better meaning than the other two verses. From the hadiths, at least the thing that is used is the sanctity of revealing and declaring sins, especially revealing and declaring the mistakes and sins of a Muslim person. Arguing that some sin is promiscuous in order to prove its sanctity also indicates the certainty of this ruling among jurists. The necessity of the spread of oppression and misguidance in the society and the introduction of corruption as a rational reason, and the disintegration and destruction of societies due to the spread of corruption will also be a rational reason for its prohibition.

Keywords: Promulgation of prostitution, expression, promotion of vices, media, Imami jurisprudence.

1- Ali GHafarian /Level 3 of Qom Seminary Educational and research complex of Athar imams, peace be upon them, Qom, Iran
agh1369@gmail.com

2- Ali Nahavandi/ Level 3 of Qom Seminary Educational and research complex of Athar imams, peace be upon them, Qom, Iran
Nahavandi47@yahoo.com

تبیین حکم فقهی اشاعه فحشا در فضای رسانه‌ای

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱/۴

علی غفاریان^۱

علی نهاوندی^۲

چکیده

یکی از ناهنجاری‌های اجتماعی، ترویج فحشا در جامعه است. در دوران فعلی، فضای رسانه‌ای موجب تحقق این ناهنجاری در محدوده‌ای وسیع و با سرعت بالا شده است. آگاهی از احکام و فروعات این مسئله، نیازمند پاسخ به این سؤال است که مبانی فقهی حکم اشاعه فواحش در فضای رسانه‌ای، نزد فقهای امامیه کدام است؟ پاسخ به این سؤال موجب شناخت مبانی فقهی حکم اشاعه فحشا خواهد بود که برای تعیین وظایف کاربران رسانه‌ها، و تعیین رویکرد دستگاه‌های نظارتی مفید خواهد بود. در این نوشته به روش توصیفی و تحلیلی، بعد از بیان مفاهیم و اشاره به مراد از اشاعه فحشا، استدلال به ادله فقهی بررسی شده است. آیه ۱۹ سوره «نور» دلالت بهتری نسبت به آیه جهر و آیه تجسس دارد. از روایات هم، حداقل چیزی که استفاده می‌شود حرمت اظهار معاصی است، به‌ویژه اظهار گناهان شخص مسلمان است. همچنین حرمت اشاعه برخی معاصی نزد فقها مسلم است. علاوه بر آن که اشاعه فحشا از آن جهت که گسترش ظلم و به‌التبع از هم‌گسیختگی جوامع را به همراه دارد، از نظر عقل قبیح است و به‌عنوان دلیل عقلی ممنوعیت آن محسوب می‌شود. از هم‌گسیختگی و نابودی جوامع به‌سبب گسترش فساد نیز دلیل عقلایی بر ممنوعیت آن خواهد بود.

واژگان کلیدی

اشاعه، فحشا، رسانه، عقل، فضای مجازی، فقه.

۱- سطح سه حوزه علمیه قم مجتمع آموزشی و پژوهشی ائمه اطهار علیهم‌السلام قم، قم، ایران.

agh1369@gmail.com

۲- مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم/ سطح چهار حوزه علمیه قم، قم، ایران.

Nahavandi47@yahoo.com

مقدمه

ترویج معاصی از افعالی است که از برخی افراد و در قالب مصادیق مختلف تحقق می‌یابد. امروزه گسترش رسانه‌ها و ابزارهای ارتباط جمعی نیز موجب تسهیل و گسترش ارتکاب این ناهنجاری اجتماعی شده است، چراکه تحقق اشاعه فحشا با کمک رسانه‌ها و ابزارهای جمعی در محدوده‌ای بزرگ و با سرعت فوق‌العاده‌ای انجام می‌پذیرد. این ناهنجاری آسیب‌های فراوانی خواهد داشت که مهم‌ترین آن عادی‌سازی ارتکاب گناهان و فساد فرهنگ دینی جامعه اسلامی خواهد بود. معلوم است که این فعل، همانند دیگر افعال مکلفان خالی از حکم الهی نیست؛ اما فهم این حکم نیازمند رجوع به ادله فقهی می‌باشد. سؤالی که در اینجا مطرح خواهد بود این است که مبانی فقهی این مسئله نزد فقهای امامیه کدام است؟ آیا دلیل حرمت اشاعه فحشا منحصر در آیه ۱۹ سوره مبارکه نور است یا ادله دیگری هم در این بین وجود دارند؟ فرض بر این است که علاوه بر این آیه، آیات یا روایات دیگری هم دلالت بر این مطلب داشته باشند.

نوشته حاضر با هدف معرفی و بررسی مبانی فقهی مرتبط با این مسئله انجام پذیرفته است تا با انجام این کار، مبانی فقهی این مسئله را به محققان بشناساند، تا با زمینه‌سازی برای پاسخ‌گویی به سؤالات مرتبط با مسئله، آنها را در تعیین وظایف مکلفان و دستگاه‌های نظارتی بر رسانه‌ها یاری نماید. این مسئله به صورت مستقل در کلمات فقها مورد بحث قرار نگرفته است بلکه فقط اثراتی از آن در ذیل مباحث غیبت و تهمت و بعضاً در بحث امر به معروف و نهی از منکر و همچنین در بحث از گناهان کبیره قابل مشاهده است. در برخی از مقالاتی که در این زمینه نگاشته شده است درنهایت یک یا دو صفحه، و در برخی دیگر کمی بیشتر از آن، از اشاعه فحشا سخن گفته شده است، که عبارت‌اند از:

مقاله «نشر خبر فحشا»، نوشته سیدعبدالحسن آل‌یاسین؛ مقاله «واکاوی آیه اشاعه فحشا و شمول آن نسبت به مسائل نوپدید»، نوشته زهرا طاهری‌پور و مقاله «تحلیل فقهی مسئله اشاعه فحشا و تطبیق آن با فعالیت‌های رسانه‌ای»، نوشته مجید تلخابی و علی تقی‌خانی. مقاله «نشر خبر فحشا» حاوی مطالب مفیدی در مفهوم‌شناسی «اشاعه» و «فحشا» بوده و به بررسی دو آیه و چند روایت در زمینه حکم اشاعه فحشا پرداخته است؛ اما آیه نهی از

تجسس، روایات و ادله دیگر به غیر از یک روایت از دو روایت مطرح شده در نوشته پیش‌رو را متذکر نشده است. در مقاله «واکاوی آیه اشاعه فحشا و شمول آن نسبت به مسائل نوپدید» نیز هر چند به ابعاد بیشتری از مسئله توجه شده، ولی این توجه تفصیلی نبوده است. چراکه تنها آیه ۱۹ سوره «نور» و تعدادی از روایات را متذکر شده و بررسی دلالتی آنها پرداخته است. علاوه بر اینکه ادله خالی از ادله مذکور در پژوهش حاضر است. همچنین مقاله «تحلیل فقهی مسئله اشاعه فحشا و تطبیق آن با فعالیت‌های رسانه‌ای» به بررسی مبانی قرآنی و روایی و همچنین مبانی حقوقی اشاعه فحشا در رابطه با فعالیت‌های رسانه‌ای پرداخته و سعی او تعیین ملاکات تحقق اشاعه فحشا بوده است. نویسنده این اثر تنها یک نگاه اجمالی به آیه ۱۹ سوره «نور»، و چند روایت دیگر داشته است، درحالی‌که آیات و روایات دیگر مثل صحیح ابن ابی یعفور، اجماع، عقل و سیره عقلا را ذکر نکرده است.

ویژگی این نوشتار نسبت به نوشته‌های دیگر، بیان نسبتاً جامع از ادله می‌باشد؛ زیرا این نوشته به بررسی سه آیه از آیات قرآنی، روایات بیشتر از جمله صحیح ابن ابی یعفور، دو روایت از اسحاق بن عمار و ذکر مناقشات پرداخته است. همچنین در نوشته حاضر، به دلالت دلیل اجماع، دلیل عقلی و سیره عقلا نیز اشاره شده است که متمایز از نوشته‌های مشابه است.

۱- مفاهیم

قبل از ورود به ادله مسئله و تبیین حکم آن، شایسته است حدود و دایره موضوع آن تنقیح شود. تنقیح این امر متوقف بر تبیین مفاهیم مذکور در عنوان مسئله است.

۱-۱. رسانه

رسانه در لغت به معنای رساندن یا وسیله ارتباط جمعی و اسم آلت از مصدر «رساندن» است. رسانه‌های ارتباط جمعی عبارت‌اند از: کلیه وسایل انتقال‌دهنده اطلاعات، ایده‌ها و فرهنگ‌هایی که در یک بستر نشر فراگیر اعم از برخط و غیربرخط با بهره‌گیری از روش‌های ارتباط جمعی و ابزارهای رساننده - اعم از مکتوب، صوتی و تصویری، دیجیتال و تعاملی - توان برقراری ارتباط با مخاطب هدف را فراهم می‌کنند (نهادی، ۱۴۰۱، صص. ۳۸-۴۰). این

تعریف شامل هر چیزی است که انتقال پیام از یک شخص به شخص دیگر را افاده کند و شامل تلویزیون، اینترنت، ماهواره، گوشی همراه و دیگر وسایل ارتباط جمعی است که پیام را در قالب متن و صوت و تصویر و غیر این‌ها به مخاطب منتقل می‌کنند.

کارکردهای متعددی برای رسانه برشمرده شده است که عبارت‌اند از: سرگرمی، آگاهی و اطلاع از جهان هستی، ارتباط اجتماعی و هویت شخصی (منصوری، ۱۳۹۶، ص. ۲۸). رسانه‌ها گاهی از کارکرد اصلی خود منحرف شده و در مسیری خارج از محدوده شریعت و قانون پیش می‌روند. این انحراف در مصادیق مختلفی بروز می‌یابد که هر کدام از آنها نیازمند بررسی جداگانه و منع است. مهم‌ترین انحراف از شریعت در حوزه رسانه، تحقق اشاعه فحشا در آن می‌باشد که خلاف رویکردهای مفید است، چرا که هدف از رسانه مخصوصاً در فضای دینی افزایش معرفت و رشد مخاطب است و این با اشاعه فحشا تنافی دارد.

از مهم‌ترین مصادیق اشاعه فحشا در فضای رسانه‌ای نیز انجام هرزه‌نگاری می‌باشد. پورنوگرافی در مفهوم عام به معنای تصاویر و محتوایی است که عمدتاً به قصد تحریک جنسی ارائه می‌شود، این موارد در قالب نمایش، ارائه، تولید و تجارت محتویات مستهجن است (بای و پورقهرمانی، ۱۳۸۸، ص. ۹۸).

فقه رسانه عهده‌دار تعیین وظیفه مکلفان در این زمینه می‌باشد تا با واکاوی مبانی فقهی حرمت اشاعه فحشا و گستره شمول این حکم، از تحقق انحراف و آفات ممانعت کند. در نتیجه رسانه‌ای سالم، مفید و در قالب شریعت الهی شکل بگیرد.

۱-۲- اشاعه

اشاعه از ماده «شيع» به معنای ظاهر کردن، انتشار و اذاعه می‌باشد. خلیل فراهیدی این لغت را در باب ثلاثی مجرد به معنای ظاهر شدن و در باب ثلاثی مزید، مترادف با «اذاعه» معنا می‌کند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص. ۱۹۰)؛ اما جوهری این لغت را هم در ثلاثی مجرد و هم در ثلاثی مزید با ماده «ظهر» و «ذاع» معنا کرده است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص. ۱۲۴۰)، که ابن‌اثیر و فیومی نیز همین اعتقاد را دارند (ابن‌اثیر، بی‌تا، ج ۲، ص. ۵۲۱؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۳۲۹). المحیط علاوه بر معنا کردن شیوع خبر به «ظَهَرَ»، معنای «انتشَرَ» را نیز بیان کرده است (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۹۹).

ابن فارس برای این ماده دو معنای اصلی بیان می‌کند: اولی معنای «همکاری و همیاری»، و دیگری معنای «پخش و گسترده‌گی» است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۳۵). جناب راغب نیز همانند ابن فارس علاوه بر انتشار، تقویت و زیاد شدن را هم در معنای این لغت ذکر کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۰؛ البته می‌توان گفت تقویت و زیاد شدن، مسبب از انتشار است؛ زیرا به سبب انتشار است که تعداد یک شیء بیشتر شده و وجود آن به نوعی تقویت می‌گردد. در نتیجه، انتشار معنای عمده برای اشاعه خواهد بود.

۱-۳- فحشا

این واژه معنای واحدی با «فاحشه» داشته و جمع هر دو نیز «فواحش» می‌باشد (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۰۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۲۵؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۴۷). خلیل فراهیدی، «فاحشه» را به هر چیزی که موافق حق نباشد معنا کرده است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۹۶). جوهری و ابن فارس نیز هر چیزی که از حد خودش تجاوز کند را «فاحش» دانسته‌اند (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۰۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۷۸).

به گفته ابن فارس ریشه «فحش»، دلالت بر قبح و شناعة در شیء دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۷۸). راغب اصفهانی «فحش»، «فحشا» و «فاحشه» را به افعال و اقوالی که قبح زیادی دارند، معنا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۰). ابن اثیر نیز می‌گوید: این سه لفظ در احادیث به صورت مکرر استفاده شده و همان ذنوب و معاصی با قبح شدید را معنا می‌دهد (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۲۱). در نتیجه معنای مستفاد از کتب لغوی را می‌توان فعل یا قول شدید القبح بیان کرد.

۲- اقوال در مراد از اشاعه فحشا

پیرامون مراد از «اشاعه فاحشه» -که بیشتر به جهت استعمال آن در آیه مبارکه «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور: آیه ۱۹) منشأ بحث و استدلال قرار گرفته است - عمدتاً دو دیدگاه مطرح است: دیدگاه اول (کثرت ارتکاب فحشا) (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ق، ج ۲، صص ۸۳-۸۴؛ انصاری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۲۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۹۳؛ خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۹)، از اهل سنت نیز صابونی همین

اعتقاد را دارد (صابونی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۰۱).

دیدگاه دوم) اظهار و افشای فحشا (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۴۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۲۰۸؛ خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، صص ۴۰۵ و ۳۷۳-۳۷۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، ص ۸۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۸۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۲، ص ۲۰۶؛ نظام الدین نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۱۷۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۳۱۸). اختیار هر یک از این دو دیدگاه، منوط به استظهار عرفی و همچنین استدلال‌هایی است که در ذیل هر دیدگاه مطرح است؛ البته ظهور روایت محمد بن فضیل (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۴۷) و روایت ابن ابی عمیر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۷)، مؤید دیدگاه دوم می‌باشد که در ذیل آیه ۱۹ سوره مبارکه «نور» بررسی خواهد شد.

۳- ادله حرمت اشاعه فحشا

برای اثبات حرمت اشاعه فحشا به هر یک از ادله فقهی یعنی کتاب، سنت، اجماع، عقل و سیره عقلا می‌توان تمسک کرد.

۳-۱. آیات دال بر حرمت اشاعه فحشا

در این مقام به سه آیه از قرآن مجید که ارتباط نزدیکی با موضوع اشاعه فحشا دارند، اشاره می‌شود.

۳-۱-۱. آیه نهی از اشاعه فحشا

مهم‌ترین دلیلی که بر حرمت اشاعه فحشا به آن استدلال شده است، آیه ۱۹ سوره نور است. «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم باایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است؛ و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

به دو تقریب می‌توان به این آیه استدلال کرد:

تقریب اول: اگر به قرینه «عذاب الیم»، حبّ اشاعه فحشا معصیت باشد، خود اشاعه فحشا به طریق اولی معصیت خواهد بود (حسینی شیرازی، بی تا، ج ۳، ص ۵).

تقریب دوم: آیه شریفه به دلالت مطابقی، دلالت بر ترتب عقاب بر اشاعه فحشا و به دلالت

التزامی، بر حرمت اشاعه فحشا دلالت دارد (روحانی قمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۳۴۰).
 با توجه به این دو تقریب، علاوه بر حرمتِ نفس فحشا، حرمت دیگری نیز از آیه فهمیده می‌شود و آن حرمت حبّ اشاعه فحشا بین مؤمنان است، به‌طوری‌که به یک چیز عادی تبدیل گشته و جای منکر و معروف عوض گردد (یزدی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۵۷)؛ مثلاً کشف حجاب افراد و اعمال منافی عفت به‌حدی در رسانه‌ها گسترش یابد که قبح انجام آن از بین برود، به‌طوری‌که افراد دیگری هم که آن را از ترس آبروی‌شان انجام نمی‌دادند به‌راحتی آن را مرتکب شوند.

۳-۱-۱-۱. اشکالات تمسک به آیه نهی از اشاعه فحشا

استفاده حکم اشاعه فحشا از این آیه با چند اشکال مواجه است:
اشکال اول: هر چند متبادر از آیه، با صرف‌نظر از قرائن این است که حب شیوع معاصی بین عباد گناه بزرگی است؛ لکن چیزی که موجب بُعد آن می‌شود، این است که چگونه بر حبّ یک چیز عقاب مترتب می‌گردد، درحالی‌که آنچه به‌صورت متضاهر در روایات وارد شده، این است که تا زمانی که حب چیزی منجر به ارتکاب آن فعل و یا چیزی از مقدمات آن نگردد، گناه نمی‌باشد. (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ص ۵۵۸).

پاسخ اشکال اول: اولاً، - با قطع‌نظر از اخبار وارده در تفسیر آیه - از این جهت که مقتضای حبّ هر چیز، تحقق و ایجاد آن است، حبّ شیاع نیز کنایه از اشاعه و انتشار است، و به‌جهت اینکه مجرد دوست داشتن بدون بروز فعل، حرمتی ندارد، ظهور آیه در انجام دادن اموری است که موجب گسترش فحشا می‌گردد (شهیدی تبریزی، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۸۰). ثانیاً، برگشت ظاهر آیه به حبّ شیوع خود فحشا و ارتکاب منکرات بین مؤمنان و انحطاط اجتماعی آنها می‌باشد، نه شیوع علم به آن با اعلام کردن به مردم؛ چرا که شیوع به خود فحشا نسبت داده شده، و همچنین ظاهر ظرف، تعلق به فعل مذکور در کلام یعنی «تشیع» است؛ لذا باید حبّ را بر محبتی حمل کنیم که منتهی به ارتکاب محبوب گردد (ایروانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۲).
اشکال دوم: مفهوم عرفی از شیاع فحشا، گسترش ذکر فحشا و اتهام مردم به آن می‌باشد نه وجود فحشا، هر چند که نزد خداوند حرمت شیاع وجود فحشا، از شیاع ذکر فحشا سنگین‌تر است. (صدر، ۱۴۲۰ق-ب، ج ۶، ص ۲۸۷).

پاسخ اشکال دوم: اضافه شیاع بر چیزی (الفاحشه) که قابلیت کثرت و تکرار را دارد، ظاهر در کثرت وجودی آن چیز است، نه کثرت بیانی و اظهار آن. پس ظهور آیه مبارکه در حرمت دعوت و تحریص مومنین به انجام فواحش می‌باشد (تبریزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۸۷).

اشکال سوم و چهارم: احتمال اینکه مراد از آیه، حب شیوع خود فحشا و معصیت بین مسلمین باشد، از ظاهر لفظ و سیاق آیه بعید است (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷۳). این آیه در ادامه آیات ۱۱ تا ۱۸ سوره مبارکه «نور» قرار گرفته که در رابطه با افک و قذف مؤمن، بدون وجود بینة نازل شده است و مراد از «فاحشه» به قرینه عهد بودن لام، قذف است. در این صورت مراد از «الذین یحبون ان تشیع الفاحشه» کسانی هستند که عمل زشت قذف را با قصد و اراده اشاعه می‌دهند (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ص ۵۵۸).

پاسخ اشکال سوم و چهارم: «اشاعه فحشاء» منحصر در این نیست که انسان تهمت و دروغ بی‌اساسی را در مورد زن و مرد بالیمانی نشر داده و آنها را به عمل منافی عفت متهم سازد بلکه این یکی از مصادیق بوده و تعبیر «اشاعه فحشا» مفهوم وسیعی دارد، که هرگونه نشر فساد و قبیاح و کمک به توسعه آنها را شامل است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۰۳)؛ لکن تعمیم آن به سایر عیوب (غیر از معاصی) محل تأمل است؛ چرا که شمول مفهوم فاحشه به دیگر عیوب، محتاج تأمل است بلکه تعمیم آن به بعضی از معاصی نیز مشکوک است؛ چراکه احتمال دارد تاء در «الفاحشه» برای مبالغه باشد (شهیدی تبریزی، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۸۱)؛ اما به نظر اشکال سوم در استدلال به این آیه وارد است؛ زیرا همچنان‌که مرحوم مامقانی هم گفته است، در رابطه با مراد از «فاحشه» در این آیه، چند احتمال وجود دارد: ۱- افعال شنیعه می‌باشد؛ ۲- سخنی است که بر معانی قبیحه‌ای دلالت دارد که موجب رفتن آبروی شخص متّصف به آن می‌گردد و ۳- به زنا و مساحقه هم تفسیر شده است (مامقانی، ۱۳۱۶ق، ج ۱، صص ۱۰۹-۱۱۰).

حال به جهت احتمالات مختلفی که در رابطه با مراد از عنوان «اشاعه» و مراد از «فاحشه» در این آیه وجود دارد، حکم حرمت تمام مصادیق اشاعه فاحشه از این آیه استفاده نمی‌شود، و باید با اکتفا به قدر متیقن، در موارد مشکوک براءت جاری کرد. مگر اینکه قرینه دیگری از ادله را به آن ضمیمه کرد. قرینه‌ای که از مراجعه به روایات در این رابطه استفاده می‌شود، روایت محمد بن فضیل و روایت ابن ابی عمیر می‌باشد.

روایت محمد بن فضیل: حضرت موسی بن جعفر (ع) در قبال سخن محمد بن فضیل -که گفت: قربانت گردم گاهی از برادران دینی ما سخنی بگوش من می‌رسد که ناراحت می‌شوم و چون از خودش می‌پرسم منکر می‌شود با اینکه مردمان موثق و مورد اعتمادی آن را از قول او برای من نقل کرده‌اند- بعد از توصیه به تکذیب قسم دیگران و تصدیق آن شخص فرمودند: «لا تذیعن علیه شیئا تشینه به و تهدم به مروءته- فتكون من الذين قال الله في كتابه- إن الذين يحبون أن تشيع الفاحشة في الذين آمنوا لهم عذاب أليم»، مبادا چیزی را بر زیان او افشا کنی که موجب عیب و زشتی او گردد و آبرویش را ببرد، و در نتیجه از زمره کسانی شوی که خداوند در قرآنش فرمود: «کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۴۷).

در این روایت، از انتشار هر چیزی که موجب زشت جلوه دادن و از بین بردن آبروی مؤمن شود نهی شده است و برای این منظور به آیه نیز استشهاد شده است. چون در بین این موارد، معاصی و قبايح نیز وجود دارد، در نتیجه برای حرمت اشاعه فحشا می‌تواند مورد استدلال قرار گیرد.

هر چند که گفته شده، این روایت ضعف سندی دارد^۱ (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۵، ص ۳۵۶)، چراکه طریق آن، مشتمل بر مجموعه‌ای از راویان مجهول و مشترک (سهل بن زیاد، یحیی المبارک و محمد بن فضیل) است که محل اختلاف می‌باشند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۴۰۰)؛ اما این افراد، قابل توثیق می‌باشند، چراکه سهل بن زیاد آدمی در رجال شیخ طوسی، توثیق شده است (طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۸۷). یحیی بن مبارک هم به دلیل اکتار روایت یعقوب بن یزید انباری و عدم ورود جرح معتبر است (شیرازی زنجان، B2n.ir/f26011). همچنین محمد بن فضیل صیرفی، با توثیقات عام از چند جهت مورد توثیق خواهد بود: ۱- از مشایخ ابن ابی نصر بزنتی و صفوان بن یحیی می‌باشد؛ ۲- اکتار روایت محمد بن اسماعیل بن بزیع و حسین بن سعید اهوازی از او، و ۳- تضعیف او، به دلیل مبنی بودن این تضعیف بر غلو، غیرمقبول است (شیرازی زنجان، B2n.ir/g58468). علاوه بر اینکه این روایت با مبنای کسانی

۱. سند روایت: سهل بن زیاد عن یحیی بن المبارک عن عبد الله بن جبلة عن محمد بن الفضیل عن أبي الحسن الأول (ع).

که روایات کتب اربعه و مخصوصاً کتاب کافی را معتبر می‌دانند، حجت خواهد بود.

روایت ابن ابی عمیر: امام صادق(ع): هر که درباره مؤمنی بگوید آنچه دو چشمش دیده و دو گوشش شنیده، پس او از کسانی است که خدای عزوجلّ درباره آنها فرموده: «کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم بالیمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۷).^۱

علامه مجلسی این روایت را از نظر سندی حسنه کالصحیحه می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۴۲۹)؛ اما امام خمینی سند آن را صحیح دانسته است. از نظر ایشان روایت دلالت دارد بر این که مراد از آیه صرف دوست داشتن نیست، همچنان که شیاع هم به معنای معروف آن نیست بلکه مراد، مطلق اظهار و کشف ستر است (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷۴).

با توجه به روایت محمد بن فضیل که در آن برای نهی از پخش و اذاعه هر چیزی که موجب از بین بردن آبروی مؤمن، به آیه نیز استشهاد شده و در بین این موارد، معاصی و قبایح نیز وجود دارد. همچنین با توجه به روایت ابن ابی عمیر که مراد از اشاعه فحشا مطلق اظهار و کشف ستر است، نتیجه گرفته می‌شود که این آیه برای حرمت اشاعه فحشا می‌تواند مورد استدلال قرار گیرد و مراد از آن نهی از اظهار معاصی و قبایح می‌باشد.

۳-۱-۲. آیه نهی از جهر بالسوء

آیه دیگری که با حکم اشاعه فحشا در ارتباط است، آیه ۱۴۸ سوره نسا می‌باشد. «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا». خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدی‌ها (ی دیگران) را اظهار کند؛ مگر آن‌کس که مورد ستم واقع شده باشد. خداوند، شنوا و دانا است.

دلالت این آیه متوقف بر دقت در ترکیب نحوی آن است. «جهر» مصدر به معنای ظهور و کلمه بآه برای تعدیه است. پس جهر در آیه به معنای اجهار است که مرادف با اظهار

۱. «علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله (قال: من قال في مؤمن ما رأته عيناه و سمعته أذناه فهو من الذين قال الله عز و جل - إن الذين يحبون أن تشيع الفاحشة في الذين آمنوا لهم عذاب أليم-».

می‌باشد (قزوینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۶۴).

ظهور الف و لام در «الجهر» عوض بودن از مضاف الیهی مثل «احد» و در «السوء» عوض از مضاف الیهی مثل «غیره» می‌باشد. «من القول» یا بیان از جهر است و یا بیان از سوء و گفته شده متعلق به محذوفی است که حال از سوء می‌باشد (کائنا من القول) (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۷۷) و برگشت این قول به احتمال دوم است (شهیدی تبریزی، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۹۰). همچنین گفته شده: «جار و مجرور در «من القول» متعلق به «لا یحب الله» بوده و معنا چنین خواهد بود: خداوند سخنی که جهر به سوء - یعنی کاشف از سوء- باشد را دوست نمی‌دارد؛ چرا که کشف فقط از چیزهای مخفی و مستور از دیگران صورت می‌گیرد» (انصاری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۰۹).

بیان دلالت آیه: ذکر بدی‌ها و اشاعه فحشا حتی در حد سخن گفتن از آن، همانند عمل کردن به فحشا مبعوض و مخالف با مصلحت جامعه اسلامی است؛ زیرا خواست خداوند عزت و عظمت مؤمنان در حیات اجتماعی‌شان می‌باشد، همچنان‌که در رابطه با زندگی فردی‌شان نیز همین‌طور است. پس بر مؤمنان واجب است که عیوب یکدیگر را پوشانده و درصدد اصلاح آن باشند (یزدی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۳۶).

فخر رازی «جهر بالسوء» را به اظهار فضایح و قبايح معنا می‌کند، یعنی خداوند اظهار این‌ها را نمی‌پسندد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۲۵۳). همچنین نجخوانی در ذیل این آیه می‌گوید: «و لا یحسن الجهرَ و الاشاعه بالسوء»، یعنی خداوند رحمان راضی به جهر به قبیح مستهجن عقلی و شرعی و شیوع آن نیست و آن را دوست نمی‌دارد» (نجخوانی، ۱۹۹۹م، ج ۱، ص ۱۷۵).

علامه طباطبایی در بیان «السوء من القول»، چنین می‌نویسد: «هر کلامی است که اگر در رابطه با یک شخص گفته شود، آن را ناپسند می‌شمارد؛ مثل نفرین و سخن گفتن از عیوب و بدی‌های مربوط به او، چه اینکه در او وجود داشته باشد و یا در او وجود نداشته باشد، پس خداوند جهر و اظهار به هیچ‌یک از این‌ها را دوست ندارد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۲۳).

مناقشه اول در استدلال به آیه: این احتمال وجود دارد که مراد از «السوء من القول» سخن ناشایست، مانند شتم و لعن و مثل این‌ها باشد (ایروانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲)؛ زیرا «من القول»

را متعلق به محذوفی دانسته‌اند که حال از «السوء» می‌باشد (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۶۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۷۷؛ عکبری، بی‌تا، ص ۱۱۷؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۷۱۶). این برداشت مؤید به روایت مرسله منقول در مجمع البیان هم می‌باشد که مرحوم طبرسی آن را مروی از حضرت صادق(ع) بیان می‌کند و در آن از «السوء من القول» به شتم تعبیر شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۰۱).

پاسخ مناقشه اول: اولاً، در نحوه استدلال به آیه و استظهار از آن گذشت که منحصر در شتم و نفرین و مانند این‌ها از سخنان ناشایست نبود بلکه شامل بر همه قبائح بود. ثانیاً، حتی اگر مراد از «السوء من القول» سخن ناشایست باشد بازهم می‌تواند دلالت بر مدعا را داشته باشد؛ زیرا سخن ناشایست اختصاص ندارد به سخنی که فی حد ذاته ناشایست باشد بلکه شامل قولی که ثانیاً و بالعرض زشتی پیدا کرده - مثل تهمت و غیبت - نیز می‌شود و نزد عرف، قول حاکی از قبايح نیز قبیح است (آل‌یاسین، ۱۳۹۶، صص ۱۰۹-۱۱۰).

در اشکال می‌توان گفت: این‌گونه نیست که هر سخن حاکی از قبیح - بدون اینکه به شخص معینی منتسب شود - نزد عرف قبیح باشد بلکه بسیاری از آن‌ها از دید عرف قبیح شمرده نمی‌شود (آل‌یاسین، ۱۳۹۶، ص ۱۱۰). همچنین در تأیید استظهار صورت گرفته - مبنی بر اینکه مراد از آیه تمام قبائح می‌باشد - می‌توان به روایت مرحوم عیاشی از ابوالجارود از امام صادق(ع) نقل می‌کند: «الْجَهْرُ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يُذْكَرَ الرَّجُلُ بِمَا فِيهِ» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۲۸۳). «گفتاری که باعث آشکار کردن بدی می‌شود این است که شخص به آنچه در او وجود دارد، یاد شود (یا آن را ذکر کند)». (هم تمسک کرد؛ اما به جهت ارسال در سند، فقط به‌عنوان مؤید خواهد بود.

مناقشه دوم در استدلال به آیه: مستفاد از تعبیر «لا یحب» مطلق کراهت می‌باشد که هم با کراهت مصطلح سازگار است و هم با حرمت؛ بنابراین قدر متیقن از این تعبیر، کراهت جهر به سوء خواهد بود (ایروانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۲).

پاسخ مناقشه دوم: هر چند مستفاد از تعبیر «لا یحب» اعم از حرمت و کراهت است؛ اما فقها در برخی موارد از این عبارت حرمت را استفاده کرده‌اند که این آیه هم از جمله آنها می‌باشد (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷، صص ۲۰۹-۲۱۰؛ فیاض کابلی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۲۷). حتی گفته شده:

«اعم دانستن عدم حبّ از حرمت و کراهت قول تامّی نیست؛ زیرا مناسبت حکم و موضوع مقتضی حمل بر حرمت است» (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ص. ۵۵۷).

نتیجه اینکه استفاده حرمت اشاعه فحشا از این آیه به استظهار حرمت اظهار قبایح از این آیه بستگی دارد، و با وجود این استظهار، اشاعه قبایح در حد وسیع نیز به طریق اولی حرام خواهد بود. پس با این آیه می‌توان حرمت اظهار و نشان دادن تصاویر منافی عفت در رسانه‌ها را ثابت کرد، هر چند به مرحله‌ای نرسیده که انتشار هم صادق باشد. یعنی به صرف اظهار آن اشاعه فحشا تحقق یافته و متوقف بر پخش گسترده آن در بین افراد نیست، هر چند که اگر انتشار صادق باشد به طریق اولی اشاعه فحشا هم صادق خواهد بود.

۳-۱-۳. آیه نهی از تجسس

آیه ۱۲ سوره حجرات نیز به جهت ارتباط تجسس با افشا و اظهار معصیت، از جمله آیات مورد بحث در ادله این عنوان می‌باشد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید؛ چراکه بعضی از گمان‌ها گناه است و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید.

وجه دلالت آیه: مراد از «لا تجسسوا»، جستجو نکردن اسرار مسلمین است که در روایات به وفور از آن نهی شده است (اردبیلی، بی‌تا، ص. ۴۱۷). خداوند در این آیه، اطلاع پیدا کردن از اسرار و عیوب دیگران مورد نهی واقع شده است و از جمله این موارد اطلاع پیدا کردن از معاصی و قبایح افراد می‌باشد. حال که کشف و اطلاع چنین چیزهایی برای خود شخص مورد نهی قرار گرفته است. به طریق اولویت، کشف و اظهار آن برای دیگران هم مورد نهی خواهد بود. این مسئله در قالب شنود به وسیله تجهیزات ضبط صوت و تصویربرداری مخفی از آن شخص و رسانه‌ای کردن آن به وضوح قابل درک است.

مناقشه در استدلال به آیه: این استدلال شامل تمام موارد اشاعه فحشا نمی‌باشد؛ چرا که موارد اشاعه فحشا منحصر در موارد تجسس نیست و حتی اگر تجسس هم صورت نگیرد صرف اشاعه، اظهار و یا حکایت معاصی و منکرات اشاعه فحشا خواهد بود. به عبارت دیگر دلیل اخص از مدعا می‌باشد. به عبارت دیگر با این روایت نمی‌توانیم حرمت همه مصادیق

اشاعه فحشا را اثبات کنیم.

حاصل استدلال به آیات: هر چند هر سه آیه مذکور به صورت فی الجمله دلالت بر حرمت اشاعه و یا اظهار معاصی و قبایح دارند؛ اما به نظر، آیه ۱۹ سوره مبارکه «نور» دلالت بهتری نسبت به دو آیه دیگر دارد؛ چرا که عمومیت داشته و مختص مصداق خاصی از موارد اشاعه فحشا نیست. در نهایت به قول مرحوم شهیدی: «از این جهت که مقتضای حبّ هر چیز، تحقق و ایجاد آن است، حبّ شیاع نیز کنایه از اشاعه و انتشار است، و به جهت اینکه مجرد دوست داشتن بدون بروز فعل حرمتی ندارد، ظهور آیه در انجام دادن اموری است که موجب گسترش و انتشار فحشا می گردند» (شهیدی تبریزی، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص. ۸۰).

۲-۳. روایات دال بر حرمت اشاعه فحشا

تعدادی از روایاتی که احتمال استفاده حرمت اشاعه فحشا در آن وجود دارد، عبارت‌اند از:

۱-۲-۳. موثقه اول اسحاق بن عمار

حضرت صادق(ع): «رسول خدا(ص) فرموده است: «من أذاع فاحشه كان كمبتدئها و من عیر مؤمنا بشيء لم یمت حتی یرکبه»، هر که کار زشتی را فاش کند، چون کسی است که آن را انجام داده، و هر که مؤمنی را به چیزی سرزنش کند نمیرد تا مرتکب آن شود»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۳۵۶).

مرحوم مجلسی می‌فرماید: «این روایت حسن موثق کالصحیحه است. «فاحشه» هر آن چیزی است که خداوند از آن نهی کرده و چه بسا اختصاص به گناهای دارد که قباحتش شدیدتر است. «کان کمبتدئها» یعنی «کان کفاعلها» و به این جهت از فاعل به مبتدی تعبیر شده که اذاعه‌کننده مثل فاعل، شروع‌کننده است. احتمال هم دارد مراد از «فاحشه» بدعت قبیح باشد و معنا می‌شود به اینکه هر کسی به بدعت قبیحه‌ای عمل کند و آن را بین مردم افشا کند، برای او گناهی همانند گناه کسی است که آن را برای اولین بار بدعت گذاری کرده

۱. سند روایت: عنه [علی بن ابراهیم] عن أبيه عن ابن أبي عمير عن إسماعيل بن عمار عن إسحاق بن عمار عن أبي عبد الله(ع).

است، این احتمال نسبت به معنای «ابتداء» اظهر است، همان‌طور که احتمال فاعل بودن برای معنای «مذیع» اظهر است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۴۰۴).

هر چند از دیدگاه ایشان دو معنا برای این روایت محتمل است؛ اما به نظر، احتمال اول از احتمال دوم قوی‌تر است؛ چرا که اولاً، ظهور اذاعه در اظهار است نه عمل کردن، و ثانیاً، ظهور فاحشه در معاصی و قبیاح است نه صرف بدعت. در نتیجه حرمت اذاعه همانند حرمت انجام گناه ثابت خواهد بود؛ مثلاً اگر شخصی توهین شخص دیگر به مقدسات را از طریق رسانه‌ها انتشار دهد، مرتکب حرام خواهد بود.

۳-۲-۲. صحیح ابن ابی یعفور

امام صادق(ع) در پاسخ به سؤال ابن ابی یعفور که پرسیده بود: به چه وسیله‌ای عدالت یک شخص در میان مسلمانان شناخته می‌شود تا شهادت او، له یا علیه آنها پذیرفته شود؟ بعد از بیان برخی از ویژگی‌های این افراد فرمودند: «و الدلالة على ذلك كله أن يكون ساتراً لجميع عيوبه حتى يحرم على المسلمين ما وراء ذلك من عثراته و عيوبه و تفتيش ما وراء ذلك»، و علامت این‌ها این است که همه عیوب خود را مخفی نگه دارد تا برای مسلمانان غیر از آن (غیر از ظاهر او) از عیوب و خطاهایش و تفتیش از او حرام گردد»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸).

سند این روایت صحیح است (گلبایگانی، ۱۴۰۵ق، ص ۵۸؛ صدر، ۱۴۲۰ق-الف، ص ۳۲۳؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۱۰۸). در این روایت از نحوه شناخت شخص عادل، از امام صادق(ع) پرسیده شده و ایشان بعد از بیان ویژگی‌های این افراد می‌فرماید: «علامت و دلیل بر آن، این است که اگر شخص عیوبی هم داشته باشد، پوشاننده آن باشد به‌طوری‌که اطلاع پیدا کردن و تفتیش از این خطاها و عیوب بر مسلمین حرام باشد». از این عبارت روشن می‌گردد، تفتیش و انتشار خطاهای شخص مسلمانی که در ظاهر اهل معصیت نیست؛ اما در خلوت خود مرتکب برخی رذایل است، حرام است؛ چرا که تفتیش برای اطلاع یافتن خود، حرام است چه برسد به اینکه بعد از تفتیش آن را برای دیگران هم منتشر کند. مثال شنود و

۱. صدوق: روی عن عبد الله بن أبي يعفور قال قلت لأبي عبد الله(ع).

تصویربرداری مخفی از یک شخص و انتشار آن که در آیه نهی از تجسس گفته شد، در اینجا هم صادق خواهد بود. مگر آنکه روایت فوق دلالت داشته باشد بر حرمت تفتیش در زمانی که طرف مقابل درصدد پنهان‌سازی عیوب و خطاهای خویش باشد و گرنه حرمتی متوجه او نمی‌گردد (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ج ۱۱-۱۲، ص ۹۸). در نتیجه دلیل اخص از مدعا خواهد بود، چراکه با این روایت فقط حرمت برخی از موارد اشاعه فحشا - یعنی جایی که شخص سائر باشد - را می‌توان اثبات کرد نه همه موارد را.

۳-۲-۳. موثقه دوم اسحاق بن عمار

حضرت صادق (ع): رسول خدا (ص) فرموده است: «یا معشر من أسلم بلسانه و لم یخلص الإیمان إلی قلبه لا تدموا المسلمین و لا تتبعوا عوراتهم فإنه من تتبع عوراتهم تتبع الله عورته و من تتبع الله عورته یفضحه و لو فی بینه»: ای گروهی که به زبان اسلام آورده و به دلش ایمان نرسیده، مسلمانان را نکوهش نکنید، و از عیوب آنان جستجو نکنید؛ زیرا هر که عیوب آنها را جستجو کند، خداوند عیوب او را دنبال کند، و هر که خداوند عیبش را دنبال کند رسوایش کند، گرچه در خانه‌اش باشد»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۴). مصداق این روایت افرادی هستند که منتظر بروز عیب و خطایی از دیگران می‌باشند تا آن را به هدف تمسخر یا تخریب در رسانه‌ها منتشر کنند.

هر چند سند این روایت معتبر است؛ اما روایت دیگری نیز شبیه همین مضمون در اصول کافی نیز نقل شده که طریق آن صحیح می‌باشد^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۵).

مراد از «عورت» هر امر قبیحی است که انسان از روی مناعت طبع یا حیا آن را می‌پوشاند، و مراد از «تتبع الله عورته» اراده اظهار عثرات برای خلق است و کسی که خداوند اظهار قبايح او را اراده کند مفتضح خواهد شد؛ چرا که مانع و دافعی از اراده خداوند

۱. سند روایت: «محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن علی بن النعمان عن إسحاق بن عمار قال سمعت أبا عبد الله (ع).

۲. سند روایت: عَنْهُ [بعض اصحابنا] عَنْ الْحَجَّالِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ [قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)].

وجود ندارد (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱۰، ص ۳). در این روایت پیگیری و فحص از خطاهای مسلمانان مورد نهی واقع شده و وعید دنیوی هم از باب مبالغه در زجر و منع از آن قرار داده شده است (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱۰، ص ۳). ظهور نهی نیز در حرمت متعلق آن است. در نتیجه فحص و پیگیری از خطاها و قبايح ديگران و اظهار آن، حرام خواهد بود. نکته‌ای که توجه به آن در رابطه با این روایت مفید به نظر می‌رسد، این است که این روایت، فحص و اشاعه از خطاهای مربوط به مسلمانان را اثبات می‌کند و در رابطه با اشاعه خطاهای مربوط به غیر مسلمانان ساکت است. مناقشه: ظهور «تتبع» در تفحص و تجسس می‌باشد، پس به همین جهت حرمت اشاعه فحشا ثابت نخواهد بود بلکه مفید اثبات حرمت تجسس می‌باشد. پاسخ از مناقشه: استدلال گفته شده در آیه نهی از تجسس در اینجا نیز قابل بیان است. با این بیان که آگاهی پیدا کردن از اسرار، عیوب و مسائل شخصی دیگران مورد نهی واقع شده است، حال که کشف و اطلاع چنین چیزهایی برای خود شخص مورد نهی قرار گرفته است به طریق اولویت، کشف و اظهار آن برای دیگران هم مورد نهی خواهد بود. اشکال به پاسخ از مناقشه: اشکالی که بر استدلال به آیه نهی از تجسس وارد بود در اینجا نیز خواهد بود، اینکه این استدلال شامل تمام موارد اشاعه فحشا نمی‌باشد؛ چراکه موارد اشاعه فحشا منحصر در موارد تجسس نیست و حتی اگر تجسس هم صورت نگیرد صرف اشاعه، اظهار و یا حکایت معاصی و منکرات اشاعه فحشا خواهد بود. به عبارت دیگر دلیل اخص از مدعا می‌باشد.

۳-۲-۴. مرسله حسین بن زید

حضرت صادق (ع) از پدران‌شان (ع) از امیرالمومنین (ع): «قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ سَمِعَ فَاحِشَةً فَأَفْشَاهَا فَهُوَ كَمَنْ أَتَاهَا»: رسول خدا (ص) نهی می‌کردند، هر که کار زشتی را بشنود و آن را فاش سازد؛ همانند کسی است که آن را انجام داده است»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۵).

^۱ سند روایت: رَوَى عَنْ شُعَيْبِ بْنِ وَقْدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ - عَنْ آبَائِهِ عَنْ أُمِّيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

وجه دلالت: اگر سخن گفتن از فحشایی که شنیده و یا دیده شده است، به نحو ترغیب مردم به فحشا و معصیت باشد، یا مرتکب فحشا مؤمنی باشد که آن را پنهانی انجام داده است، گوینده این سخن همانند مرتکب فحشا خواهد بود (تبریزی، ۱۴۲۷ق، ج ۶، ص ۳۴۱).

با توجه به وجود فضای رسانه‌ای در عصر حاضر، «سمع» اعم از شنیدن و دیدن خواهد بود. برخی افراد به محض دیدن یک خبر در رابطه با فساد جنسی افراد و بدون تحقیق از صحت و سقم آن، آن را در کانال‌ها و شبکه‌های اجتماعی انتشار می‌دهند که مصداق بارزی برای این روایت خواهند بود؛ البته چون سند آن ضعیف است، فقط به عنوان مؤید قابل استناد است.

حاصل استدلال به روایات: حداقل چیزی که از روایات مذکور، در رابطه با حکم اشاعه فحشا می‌توان استفاده کرد، حرمت افشا و اظهار معاصی می‌باشد، به خصوص افشا و اظهار خطاها و گناهانِ شخصِ مسلمان که صریح موثقه اسحاق بن عمار می‌باشد. همچنین است در رابطه با شخص مؤمن و کسی که درصدد پوشاندن گناهان خویش است.

مضافاً به اینکه حرمت اشاعه فحشا را می‌توان به جهت مستلزم شدن آن با عناوین محرمه دیگر نیز اثبات کرد که در این صورت به ادله حرمت آن عناوین نیز می‌توان استدلال کرد؛ مثلاً اشاعه فحشا در برخی موارد مستلزم اِذای مؤمن، و در برخی موارد مستلزم تحقیر مؤمن، و یا سایر عناوین محرمه خواهد بود؛ اما به جهت اختصار از پرداختن به این ادله صرف‌نظر می‌کنیم.

۳-۳. دلیل اجماع بر حرمت اشاعه فحشا

حرمت ترویج و گسترش فحشا در بین فقهای اسلام نه تنها مورد خلاف نیست بلکه از مسلمات فقه است. حرمت این فعل آن قدر واضح است که آن را از جمله گناهان کبیره ذکر کرده و به تفصیل از ادله آن سخن نگفته‌اند، به طوری که حتی در برخی از موارد برای اثبات حرمت یک فعل مانند سب مؤمن، انجام علنی قضاوت، قیادت، به تصویر کشیدن برهنگی و غیر این‌ها به اشاعه فحشا بودن آن استناد کرده‌اند (نجفی کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ص ۳۱؛ میرزای شیرازی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۲۴؛ سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۲). اگر اختلافی هم متصور باشد،

اختلاف در برداشت این حکم از ادله مختلف، و همچنین اختلاف در دامنه دلالت مفهوم فحشا و اشاعه می‌باشد؛ بنابراین، اگر معقد اجماع را عنوان اشاعه فحشا بدانیم، چیزی بالاتر از اجماع دلیل بر حرمت اشاعه فحشا خواهد بود. منتها به دلیل آنکه احتمال مدرکی بودن این اجماع است، دلیل مستقلی نخواهد بود؛ اما اگر معقد اجماع را مفهوم اشاعه فحشا بدانیم - با توجه به مباحثی که گذشت - نه در مفهوم اشاعه و نه در مفهوم فحشا اجماعی منعقد نیست؛ لذا نمی‌توانیم به اجماع استناد کنیم.

۳-۴. بررسی دلیل عقلی بر حرمت اشاعه فحشا

یکی از ادله شرعی برای اثبات احکام شرعی، دلیل عقلی است. مبنای حکم عقل هم درک حسن و قبح افعال از ناحیه عقل است. مراد از حسن و قبح عقلی این است که حسن و قبح افعال بدون مراجعه به شارع قابل درک هستند. نزد اصولیون پذیرفته شده است که بین حکم عقل و حکم شرع ملازمه وجود دارد، یعنی هر آنچه عقل به آن حکم کند، شرع هم به آن حکم می‌کند و هر آنچه شرع به آن حکم کند، عقل هم به آن حکم خواهد کرد؛ البته طرف دوم این ملازمه محل اشکال است، یعنی برخی اعتقاد دارند عقل توانایی درک مصالح و مفاسد احکام را ندارد؛ اما بحث ما مربوط به طرف اول ملازمه است که بدون اشکال مورد استناد می‌باشد.

یکی از اساتید معاصر، بیان خوبی در تبیین حکم عقل به از بین بردن فساد مطرح نموده است که قابل تطبیق بر این بحث نیز می‌باشد. می‌فرماید: «اگر فساد و ضلالت در جامعه وجود یابد، ظلم است؛ زیرا مردم از صراط مستقیم منحرف می‌شوند و به ضلالت کشیده می‌شوند. انحراف و ضلالت هم اقسامی دارد؛ گاهی ضلالت در عقیده است؛ کسی است که مردم را از مسیر صحیح عقایدی منحرف می‌کند. گاهی ضلالت و گمراهی در گناه است و مردم را به گناه تشویق می‌کند» (فقیهی، ۱۳۶۷؛ B2n.ir/p13676)؛ به‌عنوان مثال نفوذ به حریم خصوصی افراد در فضای مجازی و انتشار تصاویر خصوصی افراد در فضای مجازی از جمله مواردی است که عقل آن را قبیح می‌داند. به همین جهت در صورت پذیرش ملازمه عقلی این مورد ممنوع خواهد بود.

برای بیان عقلایی بودن ممنوعیت اشاعه فحشا - مثل انتشار تهمت ناروا به افراد دارای منزلت اجتماعی در برخی رسانه‌ها - نیز می‌توانیم از تقریب یکی دیگر از اساتید معاصر استفاده کنیم. او گفته است: «همان‌گونه که اشاعه و گسترش بیماری‌های کشنده و آزاردهنده در میان جوامع، جرم و جنایتی بزرگ به‌شمار می‌آید و عاملان و مسببان آن به‌عنوان تبهکار در محاکم قضایی محاکمه و مجازات می‌شوند، اشاعه و گسترش عقاید فاسد و گفتارهای ناروا و باطل نیز موجب بیماری روح و روان انسان‌ها بلکه موجب گسترش فساد در بین مردم و ازهم‌گسیختگی و نابودی جوامع بشری می‌شود، و شایسته است که عاملان آن نیز به‌عنوان تبهکاران و جانپان در حق بشریت محاکمه و مجازات شوند. عقیده و ایده و سخن حق از آن جهت که حق است، حق وجود و حق نشو و نما و حق گسترش و اشاعه دارد» (پایگاه تخصصی فقه حکومتی و سائل، B2n.ir/n34628). همچنین اشاعه فحشا را می‌توان به‌نوعی مقدمه‌سازی بر کارهای پلید هم حساب کرد؛ چراکه با اشاعه مفاسد و کارهای قبیح، مانع بودن قباحت و پلیدی کارهای زشت و فاسد در جامعه، از بین رفته و ارتکاب گناه به‌آسانی صورت خواهد پذیرفت. به‌همین جهت می‌توان اشاعه مفاسد و قبایح را مقدمه برای کارهای پلید دانست؛ البته این بیان منوط به این است که هر مقدمه قبیحی را قبیح بدانیم، وگرنه منحصر خواهد بود به مقدمه‌هایی که علت تامه برای ارتکاب فعل فاسد و قبیح باشند.

نتیجه‌گیری

گسترش رسانه‌ها و پیشرفت وسایل ارتباط جمعی هر چند کارکردهای مفیدی را به همراه داشته است؛ اما در کنار این کارکردهای مثبت و لازم، آفت‌هایی نیز به‌صورت آگاهانه یا ناآگاهانه بروز پیدا کرده است. یکی از این آفت‌ها سرعت بخشیدن این رسانه‌ها به اشاعه فحشا و کمک به گسترده کردن محدوده تأثیر آن بوده است؛ البته با توجه به مفهوم‌شناسی گفته شده، فحشا منحصر در صرف معاصی نبوده و قبایح شدیده را هم شامل است. ادله گفته شده برای حرمت اشاعه فحشا را نیز می‌توان به نحو ذیل جمع‌بندی کرد:

۱. حرمت اشاعه فحشا با هریک از ادله اربعه به‌صورت فی الجمله قابل استدلال است.

۲. از آیاتی که ذکر شد (آیه نهی از اشاعه فحشا، آیه نهی از جهر بالسوء، آیه نهی از تجسس)، هر چند هر سه آیه مذکور به صورت فی الجمله دلالت بر حرمت اشاعه فحشا دارند؛ اما به نظر، آیه ۱۹ سوره مبارکه «نور» دلالت بهتری نسبت به دو آیه دیگر دارد؛ چرا که عمومیت داشته و مختص مصداق خاصی از موارد اشاعه فحشا نیست. مراد از این آیه بیان حرمت اظهار معاصی و قبائح می‌باشد.
۳. در استدلال به روایات، حداقل چیزی که از روایات استفاده می‌شود، حرمت اظهار معاصی می‌باشد، مخصوصاً اظهار خطاها و معاصی شخص مسلمان که صریح موثقه اسحاق بن عمار می‌باشد.
۴. از حیث اجماع نیز چون فقها برای اثبات حرمت برخی از عناوین به اشاعه فحشا بودن آن استدلال کرده‌اند، چنین فهمیده می‌شود که حرمت اشاعه فحشا نه تنها مورد اتفاق است بلکه از مسلمات فقهی است و اختلاف در ناحیه مفاهیم و نحوه تحقق آن است.
۵. از حیث دلیل عقلی، علاوه بر اینکه اشاعه فحشا مستلزم ظلم و ضلالت در جامعه است، مقدمه بر فساد و فحشا نیز می‌باشد. همچنین اگر به حدی باشد که انتشار آن در جامعه موجب گسترش فساد و به التبع از هم‌گسیختگی جوامع بشری گردد، نزد عقلا دلیل بر ممنوعیت آن خواهد بود. از حیث مصادیق نیز هرزه‌نگاری و اخبار و گزارش‌های مفسده‌دار از مصادیق بارز اشاعه فحشا می‌باشد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- آل‌یاسین، سید عبدالحسین (۱۳۹۶). «نشر خبر فحشا»، *دوفصلنامه تا اجتهاد*. (۱)، صص. ۸۳-۱۲۲.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۶۹ق). *مثنابه القرآن و مختلفه*. محقق و مصحح محمد زرزور عدنان، قم: دار البیدار للنشر.

- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (بی تا). *النهائية في غريب الحديث و الأثر*. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. محقق و مصحح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*؛ محقق و مصحح محمد هارون عبدالسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*؛ محقق و مصحح احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا). *زبدة البیان فی أحكام القرآن*؛ محقق و مصحح محمدباقر بهبودی، تهران: المکتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۰ق). *کتاب المکاسب*؛ المحشّی سیدمحمد کلانتر، قم: مؤسسه مطبوعاتی دار الکتاب.
- ایروانی، علی بن عبدالحسین (۱۴۰۶ق). *حاشیه المکاسب*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بای، حسینعلی و پورقهرمانی، بابک (۱۳۸۸). «بررسی فقهی و حقوقی هرزه‌نگاری در فضای مجازی»، *فصلنامه حقوق اسلامی*. (۲۳)، صص. ۹۷-۱۲۶.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق). *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*. محقق و مصحح عبدالرزاق المهدی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجان، (جستجو برای: جلسه ۲۴۴ درس خارج کتاب صوم)، تاریخ دستیابی: ۷ دی ۱۴۰۲، B2n.ir/f26011.
- پایگاه تخصصی فقه حکومتی وسائل، (جستجو برای: اشاعه و گسترش عقاید فاسد)، تاریخ دستیابی: ۲۶ آذر ۱۴۰۲، B2n.ir/n34628.
- پایگاه مدرسه فقاہت، (جستجو برای: توثیق محمد بن فضیل صیرفی)، تاریخ دستیابی: ۲۳ دی ۱۴۰۲، B2n.ir/g58468.
- پایگاه مدرسه فقاہت، (جستجو برای: حسم ماده فساد)، تاریخ دستیابی: ۲۶ آذر ۱۴۰۲،

B2n.ir/z76490

تبریزی، جواد بن علی (۱۴۱۶ق). *إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷ق). *صراط النجاة*. قم: دار الصديقة الشهيدة.

ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). *الكشف و البیان عن تفسیر القرآن*. محقق محمد ابن عاشور، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

تلخابی، مجید و تقی‌خانی، علی (۱۳۹۰). «تحلیل فقهی مساله اشاعه فحشا و تطبیق آن با فعالیت‌های رسانه‌ای». *فقه و حقوق ارتباطات*، شماره ۱، صص. ۸۷-۱۰۶.
جمعی از مؤلفان (بی‌تا). *مجله فقه اهل بیت (ع) (بالعربیة)*. قم: مؤسسه دایرة‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). *الصاحح - تاج اللغة و صحاح العربیة*؛ محقق و مصحح احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین.

حسینی شیرازی، سیدصادق (۱۴۲۶ق). *بیان الفقه فی شرح العروه الوثقی*. قم: دار الانصار.
حسینی شیرازی، سیدمحمد (۱۴۲۴ق). *تقریب القرآن إلى الأذهان*. بیروت: دار العلوم.
حسینی شیرازی، سیدمحمد (بی‌تا). *إیصال الطالب إلى المكاسب*. تهران: منشورات اعلمی.
خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۱۵ق)، *المکاسب المحرمة*. محقق و مصحح گروه پژوهش مؤسسه، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

خویی، سیدابوالقاسم (بی‌تا)، *مصباح الفقاهة*. مقرر محمدعلی توحیدی، بی‌جا: بی‌نا.
خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۶ق). *معتمد الروه الوثقی*. مقرر سیدرضا موسوی خلخالی، قم: منشورات مدرسه دارالعلم.

خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ق). *موسوعة الإمام الخوئی*. محقق و مصحح پژوهشگران مؤسسه إحياء آثار آیت‌الله العظمی خویی، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
درویش، محیی‌الدین (۱۴۱۵ق). *اعراب القرآن و بیانه*. سوریه: دارالارشاد.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. محقق و مصحح صفوان عدنان داوودی. بیروت: دار القلم.

- روحانی قمی، سیدصادق (۱۴۱۲ق). *فقه الصادق(ع)*. قم: دار الکتاب - مدرسه امام صادق(ع).
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۴ق). *المواهب فی تحریر أحكام المكاسب*. مقرر سیف‌الله یعقوبی اصفهانی، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
- سبزواری، سیدعبدالأعلى (۱۴۱۳ق)، *مهذب الأحكام*. محقق و مصحح مؤسسه المنار، قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیت‌الله.
- سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۷ق). *منهاج الصالحین*. قم: دفتر حضرت آیت‌الله سیستانی.
- شهیدی تبریزی، میرزا فتاح (۱۳۷۵ق). *هدایة الطالب إلى أسرار المكاسب*. تبریز: چاپخانه اطلاعات.
- صابونی، محمد علی (۱۴۲۱ق). *صفوة التفاسیر تفسیر القرآن الکریم*. بیروت: دار الفکر.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*. محقق و مصحح محمدحسن آل‌یاسین، بیروت: عالم الکتاب.
- صدر، سیدرضا (۱۴۲۰ق-الف). *الاجتهاد و التقليد*. محقق و مصحح سیدباقر خسروشاهی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- صدر، سیدمحمد (۱۴۲۰ق-ب). *ما وراء الفقه*. محقق و مصحح جعفر هادی دجیلی، بیروت: دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع.
- طاهری پور، زهرا (ا). «واکاوی آیه اشاعه فحشا و شمول آن نسبت به مسائل نوپدید». پژوهش دینی، شماره ۳۹، صص ۲۳۴-۲۰۹.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. محقق و مصحح محمدجواد بلاغی، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق). *مجمع البحرین*. محقق و مصحح سیداحمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ق). *رجال الشیخ الطوسی - الأبواب*. محقق و مصحح جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. محقق و مصحح احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عکبری، عبدالله بن الحسین (بی‌تا). *التبیان فی اعراب القرآن*. عمان - ریاض: بیت الافکار الدولیه.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *کتاب التفسیر*. محقق و مصحح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*. محقق و مصحح مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: نشر هجرت.

فیاض کابلی، محمد اسحاق (بی‌تا). *تعالیق مبسوطه علی العروة الوثقی*. قم: انتشارات محلاتی. فیومی، احمد بن محمد مقری (بی‌تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. قم: منشورات دار الرضی.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصر خسرو. قزوینی، سیدعلی (۱۴۲۴ق). *ینابیع الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. محقق و مصحح علی‌اکبر غفاری، تهران: اسلامیة.

گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۰۵ق). *کتاب الشهادات*. مقرر سیدعلی حسینی میلانی، قم: بی‌نا. مازندرانی، محمد صالح بن احمد بن شمس سروی (۱۳۸۲ق). *شرح الکافی*. محقق و مصحح ابوالحسن شعرانی، تهران: المکتبة الإسلامية.

مامقانی، محمد حسن بن الملا عبدالله (۱۳۱۶ق)، *غایة الآمال فی شرح کتاب المکاسب*. قم: مجمع الذخائر الإسلامية.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (ص)*. محقق و

مصحح سیدهاشم رسولی، تهران: دار الکتب الإسلامية.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامية.

منصوری، خلیل (۱۳۹۶). فقه رسانه در اسلام. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).

میرزای شیرازی، محمدتقی (۱۴۱۲ق). حاشیه/المکاسب. قم: منشورات الشریف الرضی.

نجفی کاشف‌الغطاء، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ق). أنوار الفقاهة - کتاب المکاسب. نجف: مؤسسه کاشف‌الغطاء.

نخجوانی، نعمت‌الله بن محمود (۱۹۹۹م). الفواتح الالهية و المفاتيح الغيبية. مصر: دار رکابی للنشر.

نظام‌الدین نیشابوری، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان. بیروت: دار الکتب العلمیه.

نهادندی، علی (۱۴۰۱). تمحیص اجتهادی و قواعد ممهّده در فقه رسانه. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).

یزدی، محمد (۱۴۱۵ق). فقه القرآن. قم: مؤسسه اسماعیلیان.